

ابوظلحه انصاری: از اصحاب پیامبر ﷺ

و گورکن قبرستان بقیع

زید بن سهل بن اسود، مشهور به ابوظلحه انصاری، از تیره بنی نجار خزرج^۱ و مادرش عباده دختر مالک بن عدی بود.^۲ از زندگی روزگار جاهلی وی گزارشی در دست نیست. در بیعت عقبه دوم به سال سیزدهم بعثت حضور داشت و از سوی پیامبر ﷺ به عنوان یکی از نقیبان دوازده گانه اوس و خزرج برگزیده شد.^۳ پیامبر ﷺ پس از هجرت، میان او و ارقم بن ابی ارقم^۴ و بر پایه گزارشی، ابو عبیده^۵ بن جراح پیمان برادری بست.^۶

ابوظلحه در همة غزوه‌ها همراه پیامبر ﷺ بود و از تیراندازان زبردست ایشان به شمار می‌رفت. از آن جا که بانگی مهیب داشت، پیامبر ﷺ نهیب او را از نیروی ۱۰۰۰ مرد برتر دانست.^۷ در نبرد بدر به سال دوم ق. حضور یافت^۸ و در اُحد به سال سوم ق. نقشی مؤثر داشت. در این جنگ پیشاپیش رسول خدا تیر

(م. ۳۴۶ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۳ م؛ الجامع فی اخبار القرامطة فی الاحساء: سهیل زکار، دمشق، احسان، ۱۴۰۷ ق؛ دیوان صنوبری: احمد بن محمد صنوبری، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۰ م؛ سفرنامه ناصر خسرو: ناصر خسرو (م. ۴۸۱ ق.)، تهران، زوار، ۱۳۸۱ ش؛ صورة الارض: محمد بن حوقل النصبی (م. ۳۶۷ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۳۸ م؛ العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق: ناشناس (م. ۳۵۱ ق.)، بغداد، مکتبة المثنی؛ الفرق بین الفرق: عبدالقاهر بن طاهر البغدادی (م. ۴۲۹ ق.)، به کوشش محمد زاهد، قاهره، ۱۳۶۷ ق؛ القرامطة بین الالتزام و الانکار: عارف تامر، دمشق، دار الطلیعة الجدیدة، ۱۹۹۷ م؛ قرمطیان بحرین و فاطمیان: دخویه، ترجمه: امیرخانی؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق؛ مواصد الاطالع: صفی السدین عبدالؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ ق.)، بیروت، دار الجبل، ۱۴۱۲ ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق؛ النجوم الزاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ نهیة الارب: احمد بن عبدالوهاب النویری (م. ۷۳۳ ق.)، قاهره، دار الکتب و الوثائق، ۱۴۲۳ ق؛ نهضت قرامطه: دخویه، استرن، مادلونگ، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، میراث ملل، ۱۳۶۸ ش.

سید حسن قریشی



۱. المعارف، ص ۴۷۱؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۵۳؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۳۴.
 ۲. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۵۴.
 ۳. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ تهذیب الکمال، ج ۱۰، ص ۷۵.
 ۴. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۵.
 ۵. اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۲.
 ۶. المغازی، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۹۷-۱۶۹۸.
 ۷. جمهرة انساب العرب، ص ۳۲۷؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۴.

می‌انداخت^۱ و کمان او در همین غزوه شکست. ^۲ به گفته خودش، در جنگ خیبر به سال ششم ق. دوشادوش رسول خدا بود^۳ و در غزوه حنین به سال هشتم ق. ۲۰ نفر از مشرکان را از پای درآورد و وسایلشان را از آن خود ساخت. ^۴ وی در حجة الوداع حضور داشت و موی تراشیده رسول خدا را برای تبرک برگرفت.^۵

گزارش‌هایی از انفاق او حکایت دارند. روزی وی با مشاهده آثار گرسنگی در پیامبر ﷺ برای ایشان اندک غذایی فراهم ساخت؛ ولی ایشان با دست مبارک خود آن غذا را میان اصحاب قسمت کرد و همه سیر شدند. ^۶ نیز در پی نزول آیه ۹۲ آل عمران/۳: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبَّبْتُمْ...﴾ نخلستانی آباد را که روبه‌روی مسجدالنبی داشت، به پیامبر وا گذاشت و سپس به پیشنهاد ایشان، آن را برای خویشانش وقف کرد.^۷ در گزارشی از ابوهیره، مردی خدمت

رسول خدا ﷺ رسید و از ایشان خواست تا او را مهمان کند. ابوظلحه او را به خانه برد و چون غذایی اندک در خانه داشت، به همسرش سفارش کرد که پیش از آماده کردن شام، چراغ را خاموش کند و بچه‌ها را گرسنه بخواباند و سپس برای مهمان رسول خدا غذا فراهم سازد. فردای آن شب، هنگامی که مهمان پیامبر این کار ابوظلحه و همسرش را برای ایشان بازگفت، ایشان از مهمان‌نوازی آن دو به نیکی یاد کرد. بر پایه این گزارش، خداوند با نزول آیه ^۸ ﴿... وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ...﴾ (حشر/۵۹، ۹) مسلمانانی را که در عین نیازمندی، دیگران را بر خود مقدم می‌دارند و از حرص و بخل دوری می‌ورزند، از رستگاران شمرده است. عبدالله بن مسعود نزول این آیه و رویداد پیش گفته را با شرحی بیشتر درباره امام علی عليه السلام دانسته است.^۹

بر اساس نقلی، پیامبر در واپسین روزهای عمر خود، به ابوظلحه فرمود تا سلام ایشان را به قوم خود برساند. سپس آنان را به عفاف و استقامت ستود. ^{۱۰} وی از گورکنان مدینه بود^{۱۱} و پس از رحلت پیامبر ﷺ قبر ایشان را کند و

۱. اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۲. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۳۳.

۳. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۷.

۴. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۵؛ المعارف، ص ۲۷۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۹۸.

۵. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۶.

۶. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۷. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۶۵-۶۶؛ روض الجنان، ج ۴، ص ۴۲۷.

۸. روض الجنان، ج ۱۹، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۹۵.

۹. مناقب، ج ۱، ص ۳۴۷-۳۴۸؛ الصافی، ج ۵، ص ۱۵۷.

۱۰. اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۲۲.

۱۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۷۳؛ التقات، ج ۲، ص ۱۵۸.

گفته‌اند.^۸ ابوزرعه دمشقی وفات او را در شام دانسته است.^۹

ام سَلِيم رَمِيصَاء دختر مَلْحَان بن خالد از تیره بنی عَنَم بن نجار را همسر و ابوعمير و عبدالله را فرزندان ابوطلحه دانسته‌اند. ابوعمير در کودکی در گذشت^{۱۰} و عبدالله در صفین به سال ۳۷ ق. در رکاب علی (ع) در رویاری با سپاه معاویه جنگید.^{۱۱} اسحاق فرزند عبدالله از راویان مشهور بود.^{۱۲}

◀ منابع

الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۲ ق.)، به کوشش علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العربی؛ الاعلام: زرکلی (م. ۱۳۹۶ ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، به کوشش سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ ق.)، بیروت، دار صادر؛ الصافی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ ق.)، به کوشش اعلمی، تهران، صدرا، ۱۴۱۵ ق؛ تهذیب الکمال: المزی (م. ۷۴۲ ق.)،

لحد را آماده ساخت.^۱ وی در زمان رسول خدا (ص) و پس از آن بسیار روزه می‌گرفت^۲ و از راویان احادیث پیامبر (ص) بود.^۳

در منابع از او تا پایان خلافت عمر گزارشی نیامده است. عمر در واپسین ساعات عمرش با تعیین شورایی شش نفره به ابوطلحه فرمان داد با همراهی ۵۰ مرد مسلح این شش نفر را در خانه‌ای جمع کند و سه روز به آنان مهلت دهد تا یکی را از میان خود به عنوان خلیفه انتخاب کنند و اگر پس از سه روز بدین کار اقدام نکردند، آنان را گردن بزنند.^۴ او نیز سوگند یاد کرد که بیش از سه روز به آنان مهلت ندهد.^۵

برخی در گذشت ابوطلحه را به سال ۳۴ ق. در ۷۰ سالگی در مدینه دانسته و گفته‌اند: عثمان بن عفان بر جنازه‌اش نماز گزارد.^۶ اما بصریان معتقدند که در سفری دریایی در کشتی در گذشته و پس از هفت روز در جزیره‌ای مدفون شده است.^۷ وفات او را در سال‌های ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۵۱ ق. نیز

۱. الطبقات، ج ۲، ص ۲۹۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۷۳؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۴.
۲. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۶.
۳. تهذیب الکمال، ج ۱۰، ص ۷۵.
۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۷.
۵. قاموس الرجال، ج ۴، ص ۵۵۲.
۶. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۷؛ المعارف، ص ۲۷۱.
۷. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۷؛ تهذیب الکمال، ج ۱۰، ص ۷۶.

۸. اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۳۳.

۹. تهذیب الکمال، ج ۱۰، ص ۷۶.

۱۰. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ الثقات، ج ۳، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ الاعلام، ج ۳، ص ۳۳.

۱۱. الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۳۰؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۸۰.

۱۲. السنن الكبرى، ج ۱، ص ۴۴؛ فتح الباری، ج ۵، ص ۲۸۶؛ عمدة القاری، ج ۵، ص ۳۵.

ابوظلحه عبدالله بن عبدالعزّی

عبدری: کلیددار خانه خدا در آستانه ظهور

اسلام

عبدالله بن عبدالعزّی بن عثمان بن عبدالدار، مشهور به ابوظلحه^۱ از تیره بنی عبدالدار از قریش است.^۲ جدّ چهارم او در قُصَبِ بن کلاب کلاب به اجداد پیامبر ﷺ می‌رسد.^۳ از زمان ولادت و مرگ ابوظلحه در منابع خبری نیست.

وی همانند اجدادش منصب حجابت* (پرده‌داری)^۴ را که دربانی کعبه نیز از آن جمله بود^۵، بر عهده داشته که پس از او به فرزندانش رسیده است.^۶ از مهم‌ترین رخدادهای دوران تولیت وی، صف‌بندی دو تیره بنی عبدمناف و بنی عبدالدار بر سر مناصب سیاسی-مذهبی مکه بود که به بسته شدن دو پیمان به نام‌های حلف المطّیین* به طرفداری از بنی عبدمناف^۷ و حلف الاحلاف* (مشهور به لعقه الدم) به طرفداری از بنی عبدالدار^۸، میان تیره‌هایی از قریش انجام با

به کوشش بشّار عوّاد، بیروت، الرساله، ۱۴۱۵ق؛ الثقات: ابن حبان (م.۳۵۴ق.)، الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳م؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م.۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م.۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ روض الجنان و روح الجنان: ابوالفتوح الرازی (م.۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ السنن الکبری: البیهقی (م.۴۵۸ق.)، دار الفکر؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (م.۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م.۲۵۶ق.)، به کوشش بن باز، استانبول، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ صحیح مسلم با شرح سنوسی: مسلم (م.۲۶۱ق.)، به کوشش محمد سالم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م.۲۳۰ق.)، بیروت، دار الصادر؛ عمدة القاری: العینی (م.۸۵۵ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م.۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ قاموس الرجال: محمدتقی التستری، النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م.۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، دار المعارف؛ المغازی: واقدی (م.۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م.۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۲۷۶ق.

محمد خراسانی



۱. امتاع الاسماع، ج ۶ ص ۱۹۳.
۲. معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۱۶؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۴۷۴.
۳. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۳۴؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۱۳۸.
۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۳.
۵. شرح مسلم، ج ۹، ص ۸۳؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸؛ «حجب».
۶. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۳؛ شرف النبی، ص ۴۰۰-۴۰۲.
۷. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۶۳.
۸. المنمق، ص ۳۳؛ جمهرة انساب العرب، ص ۱۵۸.